

تارکون و مستند رسوا اولدی خوی است
باص و برینه ناکامی بیدام در
داغ خونریزی بو کسار وجود ساهن
مطرب عیاره مین عکس لور جام
آب رور نظم نهرت انتراح فیضه

کر می انسیتم اول حق کیم تنجا است
کر و با اولمش وجود مردم ده ساله
ایلدی خنجا ندمترب دیده چون لاله
کر بیبوم شون رنگ جلون لاله است
رنگی بیدار باب صومت بید و نیت

ز ناد جو در کار نکاشن در غزیت
کوز نکاشن صبح و طعن غنی خورشید
جلیس اشکده مغم غم غنک انزو
شفا زخم تیغ جود بر ای تو صومد
روای نشنون خارا کلر که طر طیار
دماغه بو کلن ار وطن روم اولی اولسه
ضارین آب کوشه و فواید رخیل معاد
بولینز انتساب فانه بر بوریا الحق
اود کلو هضم متکلمه بچشمه

بکایا و وطن دوزخ بنیاد در غزیت
میان دیده امتیده با نیش خار در غزیت
محل طوعه جانسوز هم ایقار در غزیت
هوان بر افغی بر زخم دم خوار در غزیت
کس و جنس راحت کوشه ریا زار در غزیت
فراموش ایقار الوادون سخا در غزیت
همی انواع جرت کاشه نیش در غزیت
کشل کیم کده کویا کلید عیار در غزیت
وجود ناز نینه طوعه بیچار در غزیت

وله دایره

دانه که جام را میسفلان دهن چگفت
بار صبا که نوی لفتش چپن رساند
نفریده پای خال و با اغاق تار و ماند
مصور و ارباب سنا کوش بر کشید
چون وحشیان قرار بجای نیککنم
ای باغبان کلر بسر غنچه راست کو
کر چه رسید و دیرم یعقوب آک شود
نصرت کرم دین یعقوب ان ک شود

خوش بخورد و چه در سخن چگفت
ایاشید و نک و غزال حقن چگفت
کسی از نر ناد که جاه خرقه چگفت
ایا بکوش میغی در عدون چگفت
چشم سیاه بار نر از تم من چگفت
با دسره کوش کل و با سمن چگفت
نصرت نیافت کرم کرم سیم چگفت
امانش طر که با دیر دهن چگفت

خاموشی عرفان نفس خورشید و عو اگر دست
بر دل بهار زور بستن راه نفس
همچو صورت یکقرار بهاید کفر صم که
آه سر و نه شینید عاده ای که جیست
چشم کلرهار و عا از نکلسه وصال

راهی بجای که به بود لب و اگر دست
در دون بزم جان دلدار را چاکر دست
بشت خود را از کرا خواجه برینا کرد دست
جو بر خنک راهت سرور عا کرد دست
خوش را چه ز نینم سر کشته سو کرد دست